



CARAVAN

دوماهنامه فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲
آذر - دی ۱۳۹۵، ۱۵ هزار تومان

آگاتا کریستی

Agatha Christie

سیما سلطانی، آزاده
فانی، مریم تقدیسی،
گلبرگ برزین، محبوبه
موسوی، خجسته کیهان

رهنورد زریاب، ویرجینیا
وولف، ملانیا ماتزوکو

کاروان

دوماهنامه فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲
آذر - اسفند ۱۳۹۵، ۱۵۰۰۰ تومان

CARAVAN Mehr

Bimonthly cultural Journal
2nd year, 11&12th Issue,
Dec. - Mar. 2016-2017, 15000 Toman

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرزانه قوجالو
سردبیر: فرزانه قوجالو

Licensee & Editor: Farzaneh Ghojaloo

طراح گرافیک: علی بخشی
مدیر داخلی: ستاره حیدری نوری
امور مشترکین: ساحل حیدری نوری
چاپ: چاپ و نشر نظر

Graphic Designer: Ali Bakhshi
Executive Director: Setareh Heidary Noori
In Charge of subscription:
Sahel Heidary Noori
Press: Nazar Press

نشانی پستی: میدان رسالت، بلوار دلاوران، سراج شمالی،
کوچه شهید مسلم شهرابی، پلاک ۵۷، واحد ۵
صندوق پستی ۶۷۷-۱۶۷۶۵
تلفن: ۷۷۳۷۳۰۸۶ / ۹۱۳۲۸۸۱۴۶۵
فاکس: ۷۷۳۷۳۰۸۶
پخش کتابفروشی ها: ققنوس: تلفن: ۶۶۴۰۸۶۴۰

Tel: +98-21-77373086 / 0912-288-1465
Fax: +98-21-77373086
Address: Tehran, P.O.Box: 16765-677

نشانی اینترنتی: www.caravan-mag.com
ایمیل مجله: info@caravan-mag.com
ایمیل سردبیر: ghojaloo20@gmail.com
ایمیل مدیر داخلی: setareh@caravan-mag.com
تلگرام: CARAVANMAG
اینستاگرام: CARAVANMEHR

Website: <http://caravan-mag.com>
Editor email: ghojaloo20@gmail.com
Journal email: info@caravan-mag.com
Executive director:
setareh@caravan-mag.com
Telegram: CARAVANMAG
Instagram: CARAVANMEHR

کاروان مهر نشریه‌ای است که هر دو ماه یک بار به معرفی فرهنگ و ادبیات ایران و جهان می‌پردازد. اگر مایل به ارسال مطلب برای ما هستید، می‌توانید مطالبتان را به صندوق پستی نشریه و یا به ایمیل‌های سردبیر و مجله ارسال کنید.

Caravan Mehr, a journal being published every two months, introduces Persian and world culture & literature. If you are interested in sending articles to us, you may dispatch them to our P.O.Box or send them via emails of Editor and journal.



آگاتا کریستی Agatha Christie

۷	سرمقاله
۱۴	آگاتا کریستی، مروری کوتاه بر زندگی و کتاب‌شناسی / تهمینه شهریوری
	آگاتا کریستی به روایت خودش:
۲۹	اشفیلد: ترجمه سیما سلطانی
۴۴	اندوه‌ها: ترجمه آزاده فانی
۴۹	خانه عروسک، خاطرات و...: ترجمه مریم تقدیسی
۶۳	بزرگ شدن: ترجمه آزاده فانی
۷۰	لولین تجربه‌های نوشتن: ترجمه گلبرگ برزین
۸۶	جنگ اول: ترجمه مینا سلیمی
۹۴	سفر: ترجمه خجسته کیهان
۱۱۴	جنگ دوم: ترجمه خجسته کیهان
۱۲۶	خانه‌های آگاتا کریستی / فرزانه قوجلو
۱۴۰	زاویه مرگ در داستان (با نگاهی به آگاتا کریستی و...) / محبوبه موسوی
۱۴۸	کلبه فیلومل / آگاتا کریستی / گلبرگ برزین

کاروان هنر و ادبیات امروز

۱۸۰	شمعی در شبستانی / رهنورد زریاب
۱۹۷	ارثیه / ویرجینیا وولف / ترجمه: فرزانه قوجلو
۲۱۰	یک روایت / ملانیا ماتزوکو / ترجمه: عباس سیاوش



Agatha Christie



تهران، صندوق پستی: ۶۷۷ - ۱۶۷۶۵ تلفکس: ۷۷۳۷۳۰۸۶

تلگرام: CARAVANMAG اینستاگرام: CARAVANMEHR

سرمقاله

چرا آگاتا کریستی؟

فرزانه قوجلو

ژانر پلیسی - کارآگاهی یکی از پرطرفدارترین ژانرهای ادبیات است که همه جور کتابخوان را به خود جلب می‌کند، از روشنفکران و نخبگان گرفته تا عموم مردم. هرچند هستند کسانی که دلشان نمی‌خواهد به چنین علاقه‌ای اعتراف کنند و تصور می‌کنند که چنین اعترافی چیزی از آنان می‌کاهد. اما یادمان نرود که تفنن هم یکی از ملزومات زندگی است، آن هم زندگی مدرن که شتاب و حرکتش هر روز بیش از گذشته راه نفس کشیدن را سد می‌کند. و به گمان من در این نوع از ادبیات فقط بحث تفنن و فاصله گرفتن از دشواری‌ها نیست که محبوبش می‌کند، چرا که شاید بتوان گفت هاله‌ی راز و رمزی که این قصه‌ها را در میان گرفته، یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌هایی است که حتی انسان مدرن امروزی را به خود مشغول می‌دارد،

انسانی که همواره در پی کشف ناشناخته‌ها و حل معماهاست، به ویژه کشف ناشناخته‌های درون خویش.

رولان بارت می‌گوید اگر متنی بخواهد موفق باشد، باید به خواننده‌ی خود «ثابت کند» که «بنا بر میل اوست». بارت تصریح می‌کند که این «خواننده است که در متن حرف می‌زند». «وجه مشخصه چنین متنی آن است که «دیگر خواننده نه مصرف‌کننده‌ی صرف متن که تولیدکننده‌ی آن است». ^۲ شاید از همین روست که ژانر پلیسی، اگر با تمام معیارهایی که برایش قائلیم نوشته شده باشد، می‌تواند به بهترین نحو به این مشخصه دست یابد.

آگاتا کریستی که ما در این شماره از کاروان به او پرداخته‌ایم، یکی از شناخته‌شده‌ترین و پراوازه‌ترین نویسندگان ژانر پلیسی - کارآگاهی است. نویسنده‌ای که کتاب‌هایش تا دو میلیارد نسخه فروش داشته است و ناگفته نماند که فقط انجیل و آثار ویلیام شکسپیر از این فروش سبقت گرفته‌اند. استعدادهای ادبی منحصر به فرد او از تمام مرزهای سن، نژاد، طبقات اجتماعی، جغرافیا و تحصیلات عبور کرد.

به جرأت می‌توان گفت که سینماگران در اقتباس از این نوع از ادبیات به آثار آگاتا کریستی بیش از هر نویسنده‌ی دیگری روی آورده‌اند. شاید سیر آرتور کانون دوویل با شخصیت شرلوک هولمز خود در آن سوی این گود ایستاده باشد، اما حتی او نیز باید در این رقابت در برابر آگاتا کریستی کلاه از سر بردارد. مجموعه داستان‌هایی که شخصیت محوری آن خانم مارپل، با آن خلق و خوی مهربان، دقیق و خردگرا، و نیز داستان‌هایی که هرکول پوآرو، با لهجه‌ی خاص فرانسوی و رفتار عجیب و غریب خود بر آن‌ها سیطره دارند، بارها و بارها در سینما و تلویزیون‌های انگلیسی‌زبان بازتولید شده‌اند و همچنان میلیون‌ها مخاطب دارند و بعید می‌دانم که از مشتاقان سینما کسی باشد که «قتل در قطار سریع‌السیر شرق» را ندیده باشد.

به یقین می‌توان گفت که در ادبیات جهان کمتر شخصیت داستانی همانند خانم مارپل و هرکول پوآرو وجود دارد که هویت ملموس برای آنان قائل شده باشند و این اتفاقی است که برای این دو جستجوگر حقیقت رخ داده است.

خوانندگان آثار آگاتا کریستی خانم مارپل را زنی بسیار زیرک با قوه‌ی تمیز فوق‌العاده می‌دانند. یکی از عادات معمول خانم مارپل مقایسه‌ی آدم‌ها با یکدیگر

است و همیشه معادل‌هایی برای آن‌ها پیدا می‌کند. به مردم نیز اعتماد ندارد. زمانی گفت: «خیلی خطرناک است که آدم‌ها را باور کنیم. من هیچ وقت در تمام این سال‌ها باورشان نکردم.» (جنایت خفته).

شخصیت خانم مارپل را چنین توصیف می‌کنند: زنی است لاغر و بلند بالا که بین ۶۵ تا ۷۰ سال سن دارد. موهایش سپید است، با چشم‌های آبی روشن و صورت شفاف و پرچین و چروک. دو سرگرمی محبوبش تماشای پرندگان است و باغبانی و بیشتر اوقات او را با میل بافتنی در دست می‌بینند. خانم مارپل ازدواج نکرده و خواهرزاده‌ی جوانی دارد به اسم ریموند که رمان‌نویس است. شخصیت خانم مارپل بر پایه‌ی شخصیت پیرزنانی شکل گرفته که آگاتا کریستی از روزگار کودکی به خاطر داشت. خانم مارپل ساکن‌های استریت واقع در دهکده سنت مری وید است. این دهکده در بیست و پنج مایلی جنوب لندن واقع شده است و دوازده مایل با ساحل فاصله دارد.

خانم مارپل اول بار در ۱۹۲۸ در مجله اسکچ (Sketch) ظاهر شد. در حقیقت، در شش داستان اول مجموعه‌ی سیزده مشکل که در همین نشریه منتشر شد. اما شخصیت خانم مارپل طی سال‌ها تحول یافت. خانم مارپلی که در ۱۹۳۰ می‌بینیم همان خانم مارپل سال ۱۹۷۱ نیست. در ۱۹۷۱ او را به عنوان «بدترین وروره جادو در دهکده» توصیف می‌کنند که وقت زیادی را صرف شایعه‌پراکنی و، با تظاهر به تماشای پرندگان، جاسوسی اهالی دهکده می‌کند. خانم مارپل همچنان در کتاب‌های بعدی زیرک است اما به مرور به پیرزنی پف‌کرده و مهربان‌تر بدل شده است. او را در قالب «پیردختری دودل» توصیف می‌کنند. او هم مثل پوآرو ترغندهای خودش را دارد تا نقاب از صورت آدم‌ها بردارد. و این پرسش مطرح است که آیا سن و سال در شخصیت خانم مارپل اهمیت دارد؟ و پاسخ مثبت است. باید فردی پیر باشد تا شیوه‌هایش به کار آید. این سن و سال است که به او اجازه می‌دهد تا بین زندگی شهری و روستایی، گذشته و حال، قیاس و موازنه ایجاد کند. اگر آگاتا کریستی خانم مارپل را جوان‌تر خلق کرده بود یقیناً او کسی نبود که بتواند راز جنایت‌ها را برملا کند.

اما هرکول پوآرو اساساً از نوع دیگری است. در بلژیک به دنیا آمده، هیچ وقت ازدواج نکرده و زمانی دلبسته‌ی کنتس روساکف بوده است. نام منشی‌اش فلیستی لمون است. دستیارش کاپیتان هیستینگز نام دارد و سربازرس جپ از اسکاتلند یارد



صفحه روبرو: دیوید ساچت (David Suchet) در نقش هرکول پوآرو

جوآن هیکسون (Joan Hickson) در نقش خانم مارپل



معمولاً در کنارش دیده می‌شود.

از نظر ظاهری قدی متوسط دارد، چشم‌هایش سبز است و سرش تخم‌مرغی شکل که مدام به یک طرف خم می‌کند. همیشه کفش‌های چرمی می‌پوشد، و لباسش مرتب است و بسیار شیک.

کارآگاه مشهور عاشق ظرایف زندگی است، از تجمل و غذای عالی و رفتن به تئاتر و همه هنری زیبا لذت می‌برد. از هوای آزاد خیلی خوشش نمی‌آید و مکان‌های در بسته را ترجیح می‌دهد. پوارو از کثیفی و بی‌نظمی بیزار است، به نظم و قرینه عشق می‌ورزد. (تخم‌مرغ صبحانه‌اش همیشه باید به یک اندازه باشد). و حتی کتاب‌ها را در قفسه‌ی کتابخانه به ترتیب قد می‌گذارد! عادات و طنز انگلیسی را غیرقابل درک می‌داند. اما او انگلیسی را بسیار سلیس حرف می‌زند و گاهی «خارجی بودن» را یک امتیاز به حساب می‌آورد. بسیار متکبر است و باور دارد که همه او را به نام می‌شناسند. اما تمام پرونده‌های پیشنهادی را قبول نمی‌کند و می‌پذیرد که پول برایش مهم است. پوارو نسبت به افرادی که جنایتکار نیستند، به ویژه بانوان، مهربان است و مؤدب. همین‌طور مشهور است که خودمحورو ناشکیباست و صریح‌اللهجه.

کارآگاه بلژیکی به صراحت می‌گوید که ذهن، سلول‌های خاکستری مغز، بزرگ‌ترین ابزار حل معمای قتل است. مشهور است که پشت درها گوش می‌خواباند، پشت پرده‌ها مخفی می‌شود و همیشه کشوی لباس‌ها را می‌گردد.

اما درباره سن و سال هرکول پوارو جای شک است. برخی می‌گویند که تا آخرین رمان ۱۲۵ سال عمر کرد. آگاتا کریستی در زندگی خود نوشتش چنین اعتراضی می‌کند: «چه اشتباه بزرگی مرتکب شدم وقتی از همان ابتدا هرکول پوارو را پرسن و سال در نظر گرفتم. به این ترتیب مجبور بودم او را بعد از سه چهار کتاب اول رها کنم و به سراغ پوارویی جوان‌تر بروم... این جوری شد که کارآگاه داستان‌های من الآن باید صد سالگی را پشت سر گذاشته باشد.»

و کوتاه آن که «ملکه‌ی جنایت» لقبی است که به آگاتا کریستی داده‌اند و او یگانه نویسنده‌ی کارآگاهی است که دو شخصیت محوری خلق کرده که هردو به یکسان دوست‌داشتنی‌اند. و یگانه نمایشنامه‌نویس زن است که همیشه سه اثرش همزمان در تئاترهای لندن به اجرا درمی‌آیند. با این وجود، اولین کتابش را شش ناشر رد کردند و پنج سال طول کشید که ناشری قبول کند این اثر را چاپ

کند. و بد نیست بدانیم گراهام گرین و الیزابت باون نویسندگان مورد علاقه‌اش بودند و به موسیقی کلاسیک عشق می‌ورزید، به ویژه به اپراهای واگنر. پیانیستی چیره‌دست بود و اگر کمرویی مانعش نبود در اجراهای عمومی بسیار موفق از آب درمی‌آمد. دلبسته‌ی سفر بود و بسیار سفر می‌کرد. از همان اولین سفر به مشرق زمین شیفته آن شد. و بارها به آنجا برگشت، به مصر، فلسطین، عراق... و نیز ایران که اصفهان‌ش را زیباترین شهر جهان نامید.

اما با وجودی که این قدر خوب با آثار آگاتا کریستی آشنا هستیم، چقدر از شخصیت خود او می‌دانیم؟ از سال‌های کودکی، دلبستگی‌ها و وسواس‌هایش؟ این ذهنیت از کجا پدید آمده است؟ و ما با نقل بخش‌هایی از زندگی‌نامه خودنوشت او کوشیده‌ایم تا چهره‌ای روشن‌تر از او ترسیم کنیم.

آگاتا کریستی در ۱۲ ژانویه ۱۹۷۶ چشم از جهان فرو بسته است. از مرگ او قریب چهل سال می‌گذرد. اما آثارش چنان زنده‌اند که گاهی خوانندگان این داستان‌ها و تماشاگران فیلم‌هایی که از آثار او ساخته شده مرگ او را از یاد می‌برند و همچنان تصور می‌کنند که آگاتا در جهان سینما و داستان‌های پر رمز و راز پلیسی حضور دارد.

فرزانه قوجلو

دی ماه ۱۳۹۵



آگاتا کریستی

مروری کوتاه بر زندگی

و کتاب‌شناسی

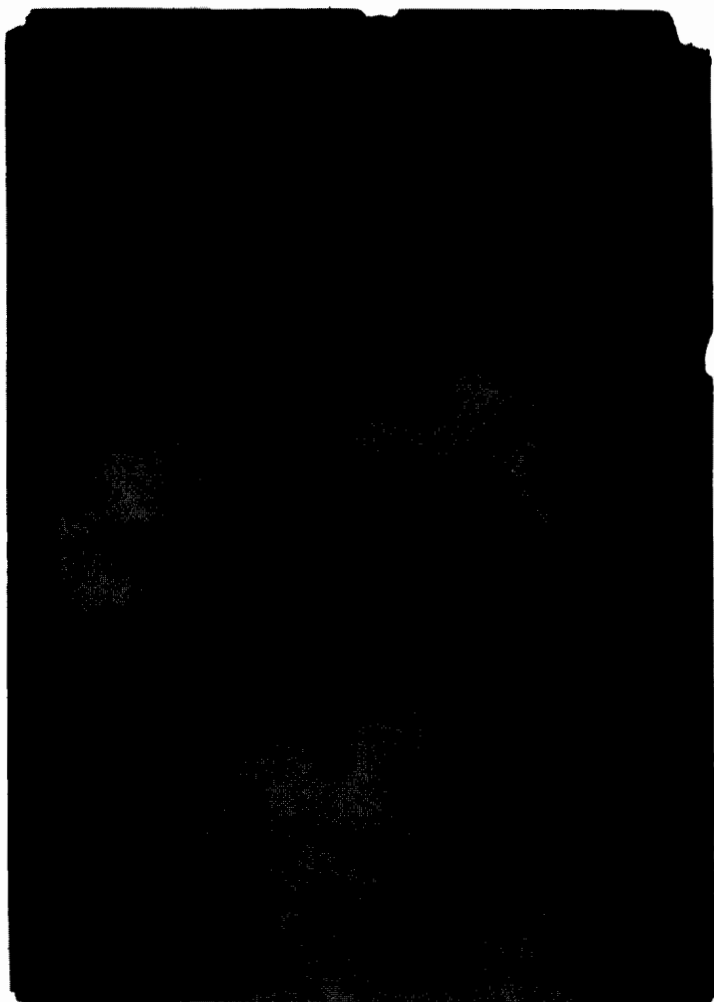
تهمینه شهریوری

آگاتا مری کلاریسا میلر در ۱۵ سپتامبر ۱۸۹۰ در اشفیلد، دیوون^۲، شهری در جنوب غربی انگلستان در خانواده‌ای مرفه به دنیا می‌آید. آنچه کودکی او را حتی به روزگار خود متمایز می‌سازد آموزش او در خانه توسط پدر آمریکایی‌اش بود. مادرش، کلارا، قصه‌گویی چیره‌دست بود که دوست داشت آگاتا قبل از هشت سالگی خواندن یاد بگیرد اما آگاتا که چنین چیزی را خوش نداشت در پنج سالگی خود خواندن یاد گرفت.

سرچشمه‌ی خلاقیت او از کجا بود؟ قصه‌های دوران کودکی را می‌بلعید؛ قصه‌های ادیت نسبیت Edith Nesbit (جویندگان گنج، بچه‌های راه‌آهن)، لوییزا آلکوت Luisa M. Alcott (زن کوچک) و نیز شعر و داستان‌های مهیج آمریکایی. در ذهنش دوست‌های

خیالی می آفرید، با حیواناتش بازی می کرد و در همان بچگی شعر می گفت.
در پانزده سالگی آگاتا را به مدرسه شبانه روزی فرستادند و آموزش موسیقی دید.
می نواخت و می خواند و اگر دختری خجالتی نبود پیانیستی چیره دست می شد.

آگاتا در ۱۸۹۸





1977. 10. 05

پیش از آن که به هجده سالگی برسد، سرگرمی اش نوشتن داستان های کوتاه بود که برخی از آن ها پس از بازخوانی و ویرایش در دهه ی ۱۹۳۰ منتشر شد. در ۱۹۱۲ بود که با آرچی کریستی Archie Christie آشنا شد و نامزدی شان به دلیل بی پولی دو سال طول کشید و سرانجام در شب کریسمس ۱۹۱۴ ازدواج کردند و هر دو تجربه جنگ اول جهانی را از سر گذراندند، آرچی در جبهه ی فرانسه و آگاتا به عنوان پرستار داوطلب در بیمارستان صلیب سرخ در تورکی Torquay انگلستان.

آگاتا به عنوان پرستار در جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴

